

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

آیا منصب قضا برای مجتهد انسدادی جعل شده است یا نه؟

بعضی می گفتند منصب قضا از آن مجتهد انسدادی نیست با تمسک به دو فقره از مقبوله **عمر بن حنظله**، **محقق خراسانی** هر دو فقره را توجیه کردند و به این نتیجه رسیدند که منصب قضا با نگاه به همین دو فقره برای مجتهد انسدادی جعل شده است و می تواند متصدی منصب قضا شود. بعد از توضیح کلام **محقق خراسانی** ما نگاه **محقق عراقی** و **محقق اصفهانی** را اشاره کنیم و بعد نتیجه گیری کنیم.

محقق عراقی ابتدا در **نهایة الافکار** ج ۳ ص ۲۲۳ می فرماید مجتهد انسدادی حکمی در «فی تصدیه منصب القضا اشکال» اما در پایان می فرماید ممکن است ملتزم شویم که جایز است مجتهد انسدادی متصدی منصب قضا بشود با یکی از این توجیهات، گویا ایشان مثل **محقق خراسانی** می خواهند عبارات مقبوله **عمر بن حنظله** و مشهوره **ابی خدیجه** را توجیه کنند و نتیجه بگیرند مجتهد انسدادی می تواند متصدی منصب قضا بشود.

توجیه اول: ایشان می فرمایند در مشهوره **ابی خدیجه** این جمله آمده است «انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا فاجعلوه بینکم»، امام علیه السلام می فرماید در حال اختلاف به فردی که از شما «**یعلم شیئا من قضایانا**» **محقق عراقی** می فرماید یعنی من احکامنا چیزی از قضایای ما و از احکام ما می داند او را بین خودتان حاکم و قاضی قرار بدهید. مجتهد انسدادی هر چند می گوید باب علم به احکام منسد است ولی احکام متعددی را می داند مثل احکام ضروری دین، موارد اجماعات مسلم، اخبار متواتر لفظی یا معنوی، اخبار آحاد محفوف به قرائن قطعی، مجموع احکامی که از این طرق به دست می آورد وقتی حساب کنیم صدق می کند کمیت خوبی از احکام ائمه را بلد است علم دارد لذا صدق می کند بر او «**یعلم شیئا من قضایانا**». بنابراین این شخص را بین خودتان حاکم قرار بدهید. بنابراین بر مجتهد انسدادی هم این موضوع صدق می کند لذا منصب قضا برای مجتهدی انسدادی جعل شده است.

توجه دوم: این است که در مقبوله **عمر بن حنظله** موضوع منصب قضا «**العارف بالاحکام**» بود، ما در این «**العارف بالاحکام**» در معنای عرفان توسعه قائل شویم به صورتی که شامل مجتهد انسدادی هم بشود. لذا توجیه دوم این است که بگوییم شناخت احکام معنایش قطع به احکام نیست، شناخت احکام، عرفان ظنی را هم شامل می شود و مجتهد انسدادی عرفان ظنی دارد به احکام شرعی لذا حدیث شامل او می شود.

توجیه سوم: ایشان می فرمایند عارف به احکام بر دو قسم است گاهی عارف به احکام است بدون واسطه و گاهی عالم به احکام است با واسطه، مجتهد انتقاهی که از راه ظنون خاص معتبر شرعا به حکم رسیده است یعنی احکام شرعی را عارف است بدون واسطه، مجتهد انسدادی وقتی باب علم و علمی به احکام منسد است، به واسطه عقل خودش می گوید به مطلق الظن عمل کن، مؤدای این ظنون مطلق به حکم عقل می شود وظیفه شرعی، بنابراین با واسطه مثلا به قانون ملازمه آنچه که با عقل خودش به دست آورده است وظیفه شرعی و حکم شرعی هم محسوب می شود لذا «**یصدق علیه انه عالم بالاحکام شرعیه**».

بنابراین **محقق عراقی** با یکی از این سه توجیه می فرماید مشهوره **ابی خدیجه**، مقبوله **عمر بن حنظله** شامل مجتهد انسدادی هم می شود «**فقد جعل له منصب القضا**»^۲.

۱ - جلسه سی و چهارم - چهارشنبه - ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

۲ - نهایة الأفكار ج ۵، ص ۲۲۳: «(و اما قضائه) ونفوذ حکمه في المخاصمات ، .. علی تقریره بنحو الحکومة (ففیه) اشکال (ولکن) یمكن الالتزام بجواز الترافع الیه ونفوذ حکمه ، من جهة کفایة علمه بجملة من الاحکام الضرورية من المذهب والمسائل الواقعة فی موارد الاجماع القطعية والأخبار المتواترة لفظا أو معنی أو المحفوفة بالقرائن القطعية ، فإنه بذلك یصدق علیه انه عالم بشيء معتد به من الاحکام وقضایاهم (ع) فتشمله مشهوره **ابی خدیجه** من قوله (ع) انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا ... (بل ویمكن) دعوی التوسعة فی صدق العرفان بالنظر الی مثل هذا العرفان الظنی الحاکم به العقل المستقل (وبالجمله) المدار فی صدق المعرفة بحکمهم علی قیام الحجة علیه وان کانت عقلية (بل وبالتوسعة) فی الحكم المتعلق للمعرفة أيضا بأعم من کونه بلا واسطه أو بتوسیط منشئه بقرينة اضافة الحكم إليهم فی الوقایع الجزئية بقوله

ما تحلیل اصلی خودمان را نسبت به مسأله آیا کلام **محقق خراسانی** درست است اشکالاتش چیست، اشکالات کلام **محقق عراقی** چیست کلام **محقق اصفهانی**، بعداً ذکر میکنیم ولی الان عرض ما این است که در کلام **محقق عراقی** مواقعی برای نظر است.

اشکال اول: **محقق عراقی** در مباحث تقلید در ص ۲۴۵ از **نهایة الافکار** یکی از ادله ایشان بر جواز افتاء مجتهد مقبولة **عمر بن حنظله**

بن حنظله و مشهوره **ابی خدیجه** است، آنجا یک نکته‌ای دارند که به آن توجه کنیم بعداً اشکال روشن می‌شود. ایشان می‌فرمایند ان قلت مقبولة **عمر بن حنظله** و مشهوره **ابی خدیجه** مربوط به باب قضا است چه ربطی به باب فتوا دارد؟ ایشان جواب می‌دهند «**بعدم الفصل بینهما**»^۳، اگر مقبولة دال بر جعل منصب قضا است ملازمه دارد با منصب فتوا، این ملازمه ثابت است «**کل من جعل له منصب القضا**» منصب فتوا هم برای او هست به حکم این روایات.

در بحث ما الان ص ۲۲۳ ایشان با سه توجیه از مقبولة و مشهوره استفاده کردند که منصب قضا برای مجتهد انسدادی ثابت است، به حکم آن ملازمه‌ای که گفتند پس مقبولة و مشهوره جواز افتاء را هم برای مجتهد انسدادی ثابت می‌کند پس تقلید از او جایز است به حکم روایات در حالی که اصل اشکال به ایشان این است که در جواز تقلید از مجتهد انسدادی وقتی **محقق خراسانی** فرمودند جایز نیست تقلید از مجتهد انسدادی، **محقق عراقی** فرمودند اگر دلیل ما بر جواز افتاء مقبولة **عمر بن حنظله** باشد حرف **محقق خراسانی** درست است یعنی جایز نیست تقلید از مجتهد انسدادی، چرا جایز نیست؟ چون موضوع جواز افتاء عارف به احکام است و انسدادی عارف به احکام نیست.

به **محقق عراقی** عرض می‌کنیم آیا این غیر از تعارض روشن است؟ از طرفی می‌گفتید بین جعل منصب قضا و جواز افتاء ملازمه است جعل منصب قضا را ثابت کردید، به حکم ملازمه جواز تقلید هم ثابت است چگونه در بحث تقلید از مجتهد انسدادی با **محقق خراسانی** هماهنگ شدید و فرمودید اگر دلیل تقلید و جواز افتاء مقبولة باشد شامل مجتهد انسدادی نمی‌شود.

اشکال دوم: در توجیه اول شما به عبارتی تمسک کردید در مشهوره **ابی خدیجه** «**یعلم شیئاً من قضایانا**»، تفسیرش کردید به «**یعلم شیئاً من احکامنا**»، و گفتید مجتهد انسدادی عالم است به شیء من احکامنا، لذا منصب قضا برای او جعل شده است.

اولاً: عرض می‌کنیم روایت دو نسخه دارد «**یعلم شیئاً من قضائنا**» و «**یعلم شیئاً من قضایانا**» شاید «**شیئاً من قضائنا**» در روایت درست باشد آنکه که پاره‌ای از احکام باب قضا را می‌داند متصدی منصب باب قضا است. در باب قضا و احکام قضا، احکام ضروری، اجماعات مسلم، اخبار متواتر به حدی نیست که صدق کند «**یعلم شیئاً من قضائنا**»، لذا از کجا ثابت کردید «**یعلم شیئاً من قضایانا**» است تا این نتیجه را بگیرد شاید روایت «**شیئاً من قضائنا**» باشد که شامل مجتهد انسدادی نمی‌شود.

ثانیاً: در بحث بعدی که مجتهد متجزی است که نسبت به این روایت توضیحاتی می‌دهیم و نتیجه می‌گیریم چه «**یعلم شیئاً من قضایانا**» باشد و چه «**یعلم شیئاً من قضائنا**» باشد، قطعاً شامل مجتهد انسدادی نخواهد شد.

اشکال سوم: را خود شما در **نهایة الافکار** ج ۳ ص ۱۴۹ خود مطالعه نمایید. (این اشکال منافات بین کلام **محقق عراقی** در بحث انسداد با اینجا است) قسمتی از کلام **محقق اصفهانی** را اینجا وارد می‌شویم که خواهد آمد.

(ع) فإذا حکم بحکمنا ، كما هو ظاهره من کون المحکوم به علی طبق حکمهم من حیث الموازین الثابتة عندهم (إذ حینئذ) لا بأس بدعوی شمول الحکم للوظائف المعلومة له ، لأنها ناشئة من قبل حکمهم ، فیصدق بهذه العناية انه عارف بأحکامهم ، وكيف كان فهذا كله في الاجتهاد المطلق» .
۳ - نهایة الافکار ج ۵، ص ۲۴۵: «(ودعوی) ان المقبولة ونظرائها واردة في مقام القضاء ولا ربط لها بباب الفتوى ، مندفعة بعدم الفصل بینهما» .